



اساس سوسیالیسم انسان است  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
منصور حکمت

236

برای

# یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

4 ژانویه 2012 - 14 دی 1390

چهارشنبه ها منتشر میشود

e.mail: [siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

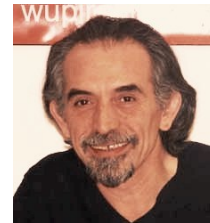
سر دبیر: سیاوش دانشور

## پیرامون مهمترین مولفه های

### اوضاع سیاسی سال 2011

میزگرد هیات داور حزب

علی جوادی، آذر ماجدی، محمود احمدی، نسرین رمضانعلی



یادداشت سردبیر،

سیاوش دانشور



## «تاکتیک یعنی بی اصولی!»

دفاعی مذبوحانه از تحریم اقتصادی!

صفحه 3

آذر ماجدی

## پیامدهای

### تشدید تحریم اقتصادی

در هفته گذشته باراک اوباما لایحه تحریم بانک مرکزی جمهوری اسلامی را امضا کرد. اتحادیه اروپا مشغول بررسی پیوستن به سیاست تحریم بانک مرکزی و همینطور تحریم خرید نفت از جمهوری اسلامی است. بدنبال اعلام تحریم بانک مرکزی وضعیت بازار ارز بهم ریخت و قیمت دلار مرز 1800 تومان را پشت سر گذاشت. میان مردم وحشت و ناامنی موج میزند. عده ای به صرافت انبار کردن آرد و روغن و آذوقه افتاده اند. قیمت ها بطور ناگهانی و ساعتی در بازار ایران بالا میرود. تشدید تحریم اقتصادی جمهوری اسلامی توسط آمریکا و اتحادیه اروپا برای اکثریت عظیم مردم ایران پیامدهای جدی دارد. این تحریمها تا هم اکنون نشان داده که اعمال سیاست تحریم اقتصادی تنها در اشکال ضد اجتماعی آن موثر است. معلوم شد که تز "تحریم هوشمند و هدفمند" که گویا به مردم آسیبی نمیرساند، درست مانند "موشکهای باهوشی که به غیر نظامیان اصابت نمیکردند"، مسخره است. تحریم با هدف اعمال فشار محسوس اقتصادی و سیاسی صورت میگیرد و اگر این نباشد از پیش شکست خورده است. همانطور که جنگ را نمیتوان به پروپاگاندا جنگی تقلیل داد. این دوره ای است که در اپوزیسیون ایران مجددا طرفداران راست افراطی در آمریکا و اروپا به حرکت می افتند و تشدید تحریم اقتصادی را مقدمه ای بر بالا رفتن امکان حمله نظامی و لذا مطلوبیت خود در چنین سناریویی تلقی میکنند.

بسیار روشن است که تحریم

صفحه 2

اطلاعیه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

## مضحکه انتخابات رژیم اسلامی را بر سرشان خراب کنیم!



## جامعه اسپارتاکوس علیه دموکراسی!

صفحه 11

پویا نودهی

## جنبش اشغال وال استریت به اشتوتگارت هم رسید!

## بیاد فادیمه شهیندال و دیگر قربانیان ناموس پرستی

### اعتصاب یکروزه

کارگران پالایشگاه های گاز پارس جنوبی

## متهم، شاکی، دادگاه

در حاشیه اقدام رضا پهلوی

صفحه 13

سیاوش دانشور

در صفحات دیگر،

کارگران تونل متروی تهران، اخراج گسترده کارگران مشاورین فجر و توسعه، زنده باد شوراها و ...

## پیامدهای تشدید تحریم اقتصادی ...

### جنبش اشغال وال استریت به اشتوتگارت هم رسید!

شهر اشتوتگارت مرکز استان بادن ورتمبرگ در جنوب آلمان است. ظاهراً این شهر بیشتر با یک شهر صنعتی، کاری و مذهبی شناخته شده است و کمتر به عنوان یک شهر سیاسی از آن اسم برده می شود، اما تظاهرات شب زیلوستر یعنی 31.12.2011 و ساعت های نزدیک به آستانه تحویل سال این ادعا را رد می کند. تظاهرات اشتوتگارت برخلاف دیگر تظاهرات علیرغم اینکه توده ای نبود یک تظاهرات آگاهانه با افق روشن، سازمان یافته، منسجم و با شعارهای رادیکال و مشخص بود. در این تظاهرات پرچم ها و پلاکاردهای سرخ بیش از هر پرچم دیگری نمایان بود. معترضین و سازمان دهندگان غالباً از جوانان ناراضی و شورشی بودند که با شعار نه به سرمایه داری و علیه کاپیتالیسم و علیه راسیسم و علیه هر اندیشه ارتجاعی مطالباتشان را مطرح کردند. ما شاهد چند سخنرانی منسجم در زمینه وضعیت فعلی نظام سرمایه داری، ضرورت عبور از چارچوب های بورژوازی، سخنرانی علیه حمله هوایی رژیم فاشیست ترکیه به مردم بی دفاع کردستان ترکیه و کشتار مردم بی دفاع و یک راهپیمایی یکی دو ساعته در مرکز شهر تا نزدیکی ایستگاه مرکزی قطار این شهر بودیم.

این حرکت یکی از اعتراضات رادیکال بود که در یک سال اخیر در این شهر اتفاق افتاده است. ما بیشتر هم شاهد اعتراضات مختلف مانند اعتراض به دولت فدرال برای ساختن یک مترو با هزینه سرسام آور و فشار به مردم برای پرداختن هزینه سنگین این مترو بودیم. همچنین اعتراض به کمبود مسکن و نا امنی و کارتن خوابی در یکی از صنعتی ترین شهرهای دنیا از زمره دیگر اعتراضاتی بوده که در یکی دو سال اخیر این شهر به خود دیده است.

انچه این اعتراضات اخیر را از اعتراضات دیگر جدا میکرد درک روشن، مطالبات رادیکال، افق سیاسی مشخص و رهبری رادیکال و کمونیست این اعتراضات بود. لازم به ذکر است تعدادی از گروه های سبز آلمان با اما و اگر هر چند به صورت فردی از دور از این اعتراضات پشتیبانی می کردند. چیزی که بیش از هر چیز توجه را به خودش جلب میکرد حضور هزاران پلیس و گارد ویژه با لباس های مخصوص و تا دندان مسلح بود که تظاهرات را محاصره کرده بودند که نکند اعتراض از حالت "صلح آمیز" خارج و به "خشونت" بگردد.

این حرکت اعتراضی ضمن اعتراض به قوانین ضد بشری نظام کاپیتالیستی، ناسیونالیسم و مذهب را به مثابه دو ستون حافظ این نظام نشانه گرفته بود و همین باعث شده بود که حرکت را از دیگر اعتراضات توده ای و خودجوش بدون رهبری و بی افق جدا کند. معترضان در آخر اشاره کردند که هفته دیگر اعتراض بزرگتری را در شهر مونیخ آلمان در استان بایرن سازمان می دهند و از همگان خواستند به این حرکت آنتی کاپیتالیستی بپیوندند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری - تشکیلات آلمان

3 ژانویه 2012 - 13 دیماه 1390

گسترش مبارزه علیه جمهوری اسلامی، توجیهاتی بیمارگونه و بشدت ارتجاعی است. اینها "مهدیون" اپوزیسیون هستند که فکر میکنند فقر و فلاکت و استیصال مردم موجب گسترش مبارزه علیه رژیم میشود! نکته ای که حتی دست راستی ترین اعمال کنندگان تحریم اقتصادی مانند رامسفیلدها و چنی ها نمی گفتند و با تمام جنایتکاری شان پنهان نمی کردند که این تحریمها بر زندگی مردم تاثیر منفی میگذارد.

کمونیسم کارگری و مردم آزادیخواه و طبقه کارگر ایران قاطعانه سیاست تحریم اقتصادی و سیاست تهدید و تهاجم نظامی را محکوم میکنند و این سیاستها را نه فقط در تحکیم رژیم ارتجاعی و ضد کارگری جمهوری اسلامی بلکه علیه معیشت و زندگی سراسر فقر خود میدانند. بخشهایی از مردم در دهه گذشته امید "آزادی" را به حمله نظامی آمریکا به ایران گره زدند و نتیجه عراق و افغانستان دیگر این توهم را برای هر انسان معقولی زوده است. طرفداران تحریم و جنگ و بمباران بنا به ماهیت ضد انسانی سیاست هایشان اساساً فاکتور سرنوشت مردم در محاسباتشان نیست. پرچم خونین و ننگین آنها تنها میتواند بر تلی از اجساد قربانیان و جامعه ای منکوب شده برافراشته شود.

آزادی مردم ایران در گرو اعمال تحریم اقتصادی و قلداری میلیتاریستی و تروریستی نیست. آزادی مردم ایران در گرو مبارزه مستقل و آزادیخواهانه و انقلابی برای نفی تمام عیار حکومت اسلامی است. مبارزه ای که یک رکن پلاتفرم آن تقابل با اردوهای تروریسم دولتی و غیر دولتی است. تشدید تحریم اقتصادی و خط تنش و تهاجم نظامی، سیاستی علیه تلاش آزادیخواهانه مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی است و باید قاطعانه محکوم شود. \*

اقتصادی و تشدید آن، که بطور زنجیره ای نهادهای اقتصادی مرتبط با آنها را در برمیگیرد، تنگناها و محدودیتهای واقعی برای اقتصاد ورشکسته و بحران زده ایران ایجاد میکند که قربانیان بلافصل آن نه رژیم اسلامی بلکه توده وسیع مردم کارگر و محروم خواهد بود. جمهوری اسلامی و باندهای متفرقه اش که به کل امکانات جامعه چنگ انداخته اند، حتماً از نظر سیاسی منزوی تر خواهد شد اما دست بازتری در تحمیل فقر اقتصادی بعنوان یک سلاح سیاسی در سرکوب و زمینگیر کردن کارگران و مردم ناراضی پیدا خواهد کرد. تاثیر تحریم اقتصادی بر تشدید بی ثباتی سیاسی جمهوری اسلامی از تاثیر تحریمهای مشابه بر بی ثباتی دولت صدام حسین در عراق فراتر نمیرود. این تحریمها در عقب راندن جمهوری اسلامی و اوباش حکومتی هر تاثیر محدودی داشته باشد، اما بعنوان ابزاری کارا در دست جمهوری برای تهاجم به معیشت مردم عمل میکند. نه فقط اعمال تحریمهای شدید اقتصادی بلکه فضای روانی تحریم اقتصادی وسیله ای در دست رژیم و مشتی بازاری مرتجع و دلال و سودجو و محتکر در چاپیدن مردم است. تشدید فقر و فلاکت مردم نتیجه بلافصل تشدید تحریمهای اقتصادی است.

سیاست تحریم اقتصادی، مستقل از تاثیر آن بر ثبات و بی ثباتی جمهوری اسلامی، بعنوان یک اقدام زیانبار برای مردم ایران بدون هیچ ابهامی باید محکوم شود. تحریم اقتصادی یک سلاح کشتار جمعی است. طرفداران این سیاست که تجربه عراق و تراژدی مرگ و میر وسیع را دیده اند، و هنوز یا بر طبل این سیاست میکوبند و یا با توجیهات مهمل جا را برای دفاع از آن باز میگذارند، قبل از هر چیز تصور فرقه ای و غیر اجتماعی و ضد جامعه خود را بنمایش میگذارند. توجیهات اینها مبنی بر تاثیرات تحریم بر شعله ور کردن ناراضی مردم و لذا



## «تاکتیک یعنی بی اصولی!»

دفاعی مذبحانه از تحریم اقتصادی!

آذر ماجدی

کارگری است که در اتخاذ موضع، هر موضعی چه سیاسی و چه تاکتیکی، اطمینان حاصل می کند که آن سیاست معین با اصول پایه ای و کمونیستی و با استراتژی انقلابی و کمونیستی در تعارض و تناقض قرار نمی گیرد.

یکی از اصول پایه ای کمونیسم کارگری چنین است: تاکتیک باید با اصول و استراتژی کمونیسم کارگری همخوانی داشته باشد. طی تاریخ جریانات کمونیستی بورژوایی متعددی وجود داشته اند که در زبان بر کمونیسم و انقلاب کارگری پای می فشردند و در عمل، از سوراخ تاکتیک، مدافع ارتجاعی ترین و راست ترین سیاست ها می شدند. تاکتیک برای این دسته کمونیست ها یعنی اپورتونیسم، یعنی ابن الوقت بودن، یعنی بی اصولی گری، یعنی دنبال کردن سیاستی متناقض با کمونیسم. اما تاکتیک برای کمونیسم کارگری یعنی اتخاذ سیاست هایی که ضمن همخوانی کامل با روش ها و ایده های کمونیستی و انسانی، کمونیسم را در سیاست و عمل به استراتژی انقلاب کارگری و سرنگونی سرمایه داری نزدیک تر می سازد. این عبارت که «هدف وسیله را توجیه نمی کند» بارها و بارها در جریان کمونیسم کارگری منصور حکمت، برای توضیح این اصل و بیان تفاوت خط کمونیسم کارگری با کمونیسم های بورژوایی طرح شده است.

حافظه اصغر کریمی را به سمینار کمونیسم کارگری ۲ در انجمن مارکس بتاریخ مارس ۲۰۰۰ جلب می کنم. منصور حکمت در آن سمینار درباره جایگاه تاکتیک نزد کمونیسم کارگری صحبت می کند. بعنوان یکی از مبانی پایه ای

### تاکتیک مترادف با بی اصولی!

اصغر کریمی مقاله اش را این چنین آغاز می کند: «با اینهمه از آنجا که برخی از جریانات چپ مخالف تحریم از این مساله یک "اصل" ساخته و بصورت کلیشه ای به تکرار برخی جملات میپردازند و خود را از هر تحلیل مشخصی بی نیاز میدانند، مفید میدانم سابقه این بحث در حزب کمونیست کارگری را بنویسم و ظرایف این بحث را اشاره کنم.» آنگاه بدنبال این بحث اضافه می کند که: «بنظر من تحریم اقتصادی هم مانند جنگ یک تاکتیک است و درست مانند جنگ در بیشتر اوقات ارتجاعی و علیه مردم است اما اصلی نیست که همه جا و بدون یک تحلیل مشخص بتوان علیه آن موضع گرفت.»

به این دو جمله کمی دقت کنید: گفته می شود که برخی از ضدیت با تحریم اقتصادی «یک اصل ساخته اند» و سپس اضافه می شود که تحریم اقتصادی «یک تاکتیک است.» ابتدا باید پرسید، منظور ایشان از «اصل ساختن» چیست؟ اگر پیش از موضعگیری و به قلم درآوردن این عبارت کمی تعمق بخرج داده شده بود، اینطور سطحی و شلخته این کلمه بعنوان ریشخند اصولیگری یک جریان کمونیست کارگری بکار برده نمی شد. این عبارت ممکن است در ظاهر عمیق بنظر رسد، اما در واقعیت امر هیچ چیز جز بی اصولی گری نویسنده را برملا نمی کند. این یک اصل ابتدایی کمونیسم

بدنبال نقد علی جوادی از سیاست راست و ضد انسانی حمید تقوایی در دفاع خجولانه از تحریم اقتصادی، اصغر کریمی با رجوع به حافظه مزورانه کوشیده است منصور حکمت را منبع این سیاست راست حریف قلمداد کند. در این دفاعیه نکات جالب توجه و مهمی در مورد روش های سیاسی حاکم بر این حزب برملا شده است. پرداختن به این شیوه های سیاسی اهمیتی فراتر از برخورد به سیاست این حزب در قبال تحریم اقتصادی دارد. همین نوشته کوتاه بشکلی بارز پراگماتیسم اپورتونیستی حاکم بر این حزب را که در چند سال اخیر به یک بیماری مزمن بدل شده است، عیان می کند.

بعلاوه، نشان می دهد که رهبری این حزب بار دیگر نیازمند ارجاع به منصور حکمت، ولو بشکلی اپورتونیستی شده است. این نکته نیز حائز اهمیت است. کسانی که در چند سال اخیر هر گونه رجوع به منصور حکمت را در مباحث و پلمیک های سیاسی به سخره می گرفتند؛ آنرا فرقه ای و مذهبی می خواندند و با بادی در غبغب درافزوده های پوپولیستی خویش را به رخ می کشیدند؛ اعلام می کردند که شرایط تغییر کرده و باید سیاست های «نوین» ابداع کرد؛ اکنون در مخصصه و استیصال عیان شدن راست روی ها و بیربیطی مطلق شان به کمونیسم کارگری منصور حکمت در درون و بیرون حزب، دستپاچه در جستجوی راه فرار، بجای ارجاع به اسناد بسیار روشن کتبی و علنی، از حافظه شان مدد جسته اند. به این مساله نیز باید پرداخت.

کمونیسم کارگری بر مساله همخوانی تاکتیک با اصول کمونیسم کارگری و استراتژی تاکید می کند. در نقد کمونیسم بورژوایی که چگونه تاکتیک برایش هر نوع بی پرنسیبی را توجیه می کند، از این سخن می گوید که تاکتیک نزد کمونیسم کارگری همواره در تطابق کامل با اصول قرار دارد. صریحا اعلام می کند: «در تفکر ما تاکتیک نمیتواند با اصول مغایر باشد... عدم تناقض تاکتیک و استراتژی و خوانایی تاکتیک و استراتژی یک جنبه هویتی ما است.»

و در جایی دیگر در همین رابطه مثالی برای توضیح این اصل پایه ای می زند که بسیار گویا و جالب توجه است. می گوید اگر در یک جنگ حتی برای ما مسجل باشد که با بمباران ده مقابل می توانیم به پیروزی برسیم، از این کار بدلائل پایبندی مان به اصول انسانی اجتناب می کنیم. قصد منصور حکمت در قرار دادن این مبحث در زمره مبانی کمونیسم کارگری و ارائه این مثال معین، کاملا روشن است. می خواهد جلوی همینگونه اپورتونیسم را سد کند. اپورتونیسمی که یکی از اصول پایه ای کمونیسم بورژوایی است. (البته اصغر کریمی برای این مبحث نیاز به ارجاع به حافظه ندارد. این سمینار بصورت علنی ارائه شده و در سایت منصور حکمت موجود است. همه می توانند به آن رجوع کنند و سندیت این بحث را تأیید کنند.)

## «تاکتیک یعنی بی اصولی!»

دفاعی مذبوحانه از تحریم اقتصادی ...

برای کمونیسم بورژوازی چه ورژن بین المللی آن و چه ورژن "وطنی" آن، تاکتیک همواره بمعنای پولتیک زدن است. هر وقت از تاکتیک و تحلیل مشخص از شرایط مشخص صحبت می کنند، کاسه ای زیر نیم کاسه دارند. نیت شان انداختن یک سیاست راست، ارتجاعی، ضد کمونیستی تحت نام کمونیسم به خلق الله است. حزب توده در تبعیت از پدران کمونیسم پرو سویی خویش، در این نوع پولتیک زدن ید طولایی دارد. سازمان های چپ پوپولیست "وطنی" جز اینگونه تاکتیک زدن کار دیگری نکرده و نمی کنند. دفاع از خمینی بعنوان «قهرمان جبهه ضد امپریالیست»، حمایت از رژیم اسلامی در جنگ علیه دشمن خارجی، تأیید یا سکوت در مقابل سیاست های زن ستیزانه رژیم اسلامی، دفاع از خاتمی و جریان ۲ خردادی، دفاع از جنبش «سبز»، اینها صرفاً نمونه هایی از اینگونه تاکتیک گرایی است.

البته حزب آقای کریمی نیز ظرف ۵ - ۶ سال اخیر در تاکتیک گرایی دستکمی از این جریانات چپ غیر کارگری ندارد. یادمان هست که چگونه میر حسین موسوی توسط حمید تقوایی درون مبارزات مردم علیه رژیم اسلامی قاچاق شد و او و جناحش بعنوان جریان سازشکار انقلاب نامیده شدند. یادمان هست که چگونه اصغر کریمی از فواید جنگ صحبت کرد. چگونه در محکومیت اسلام سیاسی از حمله وحشیانه اسرائیل به غزه دفاع شد و زمانیکه بدنبال نقد های ما، درون حزب خودشان نیز به اینکار اعتراض شد، حمید تقوایی با تشریح به آنها گفت: چی شده؟ اومانیسیم تان گل کرده؟ چگونه

حزب شان به جنبش اکس مسلم بدل شد و جالب اینکه در همینجا نیز به مردم پولتیک می زنند: به زبان فارسی آنرا «من از مذهب رویگردانم» خطاب می کنند و در زبانهای غیر فارسی اکس مسلم. چگونه خود را مدافع نظام «حقوق بشری» نامیدند و کاندید ریاست جمهوری در چنین نظامی شدند.

اینها همه خاصیت «اصل نساختن» از اصول و تاکتیک نزد این جریان است. «تحلیل مشخص از شرایط مشخص» برای اینها، همانند تمام کمونیست های بورژوازی، اتخاذ سیاست های راست و ارتجاعی، سازشکاری با راست و بورژوازی، تحت نام تاکتیک است.

یک نکته دیگر. باید از اصغر کریمی پرسید که چگونه ایشان بخود اجازه می دهد اعلام کند: «سیاست حزب کمونیست کارگری مبتنی بر» روایت ایشان از جلسه ای در سال ۱۹۹۲-۹۳ است، در حالیکه تا آنجا که به مقوله تحریم اقتصادی بر می گردد، سندی کتبی و منتشر شده از منصور حکمت بتاریخ ۱۹۹۵ موجود است؟ این سند از آنجا که بعنوان ستون اول نشریه انترناسیونال انتشار یافته است، موضع رسمی حزب کمونیست کارگری وقت است:

«تحریم تجاری ایران توسط آمریکا، انگیزه های داخلی و بین المللی دولت آمریکا در اتخاذ این سیاست و تأثیرات آن بر جمهوری اسلامی در هفته های اخیر از جانب مفسران

مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در این میان چند نکته باید اینجا مشخصاً مورد تأکید قرار بگیرد.

این سیاست آمریکا مستقل از تأثیراتش بر ثبات و بی ثباتی رژیم اسلامی، باید بعنوان یک اقدام زیانبار برای مردم ایران بدون هیچ ابهامی محکوم شود. وخامت بیشتر اوضاع اقتصادی مردم نتیجه محتوم این سیاست خواهد بود. برخلاف ادعاهای رایج، تحریم تجاری از جانب آمریکا حتی اگر اروپا و ژاپن و سایر قطبهای اقتصادی از آن تبعیت نکنند، تنگناهای واقعی برای اقتصاد ایران ایجاد میکند که قربانیان فوری آن نه رژیم اسلامی، بلکه توده وسیع مردم کارگر و کم درآمد در ایران خواهند بود.

این تصور که اعمال فشار بر مردم و به استیصال کشیدن آنها گامی در جهت سرنگونی رژیم اسلامی است، تصویری بیمارگونه و ضد اجتماعی است که فقط در چهارچوب تفکر فرقه ای جریانات حاشیه جامعه نظیر مجاهدین می گنجد. و این در شرایطی است که خود آمریکا نه فقط تغییر رژیم، بلکه حتی تغییر روش داخلی رژیم اسلامی در قبال مردم ایران را جزو اهداف سیاست تحریم تجاری ذکر نکرده است. «تحریم تجاری ایران»، ستون اول، انترناسیونال ۱۸، ژوئن ۱۹۹۵، بازچاپ در مجموعه آثار، جلد ۸، ص ۲۷۵).

### چرا به حافظه ارجاع شده است؟

ارجاع اصغر کریمی به حافظه را نباید بعنوان اتکاء ایشان به سنت ها و اصول کمونیسم کارگری منصور حکمت فهمید. زیرا یکی از خصوصیات برجسته این سنت و منصور حکمت مدون بودن تمام اصول و نظرات سیاسی و تئوریک است. نمونه تحریم اقتصادی را در بالا برشمردیم. در جلسه مورد اشاره اصغر کریمی هر چه گذشته باشد، منصور حکمت در سال

۱۹۹۵ روشن و مستدل مخالفت پایه ای خویش را با تحریم اقتصادی بعنوان یک عمل ضد انسانی تدوین کرده است. این نوشته تا همین ۵-۶ سال پیش بعنوان یک اصل خدشه ناپذیر حزب برسمیت شناخته می شد و بدنبال آن در نوشته ای دیگر منصور حکمت سیاست تحریم اقتصادی را مترادف با کاربست سلاح کشتار جمعی قرار داده است.

بعلاوه، در سال ۲۰۰۵ قطعنامه ای توسط دفتر سیاسی وقت بتصویب رسید که بر همین اصل پای می فشارد. باید پرسید چرا اصغر کریمی در جلسه دفتر سیاسی در سال ۲۰۰۵ این خاطره را بیاد نداشت و از دفتر سیاسی نخواست که از محکومیت تحریم اقتصادی «اصل نساختن؟» ظاهراً حافظه ایشان با گذشت زمان قوی تر می شود. اصغر کریمی ترجیح می دهد که نه تنها موضع رسمی حزب در زمان حیات منصور حکمت را ندیده بگیرد، بلکه قطعنامه ای را که در سال ۲۰۰۵ در این حزب تصویب شد را نیز به یک کاغذ پاره بی خاصیت بدل کند.

زیرکی اصغر کریمی در نحوه ارائه خاطره اش از یک جلسه جالب توجه است. ایشان دارند از این خاطره گویی مشروعیتی برای دفاع حزبی از سیاست تحریم اقتصادی دست و پا می کند: «در این جلسه به آفریقایی جنوبی زیاد پرداخته نشد و موضوع روی نفس سیاست تحریم اقتصادی متمرکز شد. منصور حکمت یکی دو سوال مطرح کرد و سپس از پیشنهاد من بطور قاطع حمایت کرد اما ملاحظات سیاسی مهمی را اضافه نمود. یکی اینکه در یک شرایط انقلابی ممکن است تحریم اقتصادی به سرنگونی سریعتر یک حکومت منجر شود و قابل دفاع است.»

## «تاکتیک یعنی بی اصولی!»

دفاعی مذبوحانه از تحریم اقتصادی ...

در مورد صحت و سقم این خاطره بحثی را ضروری نمی دانیم. چراکه در بالا موضع مدون منصور حکمت درباره تحریم اقتصادی را نقل کردیم. اما شیوه بیان این خاطره قرار است منتقدین کمونیست سیاست راست و ضد انسانی این حزب در دفاع از تحریم اقتصادی را با اتکاء به اعتبار کمونیستی و انقلابی منصور حکمت قانع یا منکوب کند. از آنجایی که از زمان مرگ منصور حکمت، حمید تقوایی شرایط جامعه ایران را انقلابی و تحت حاکمیت چپ اعلام کرده است؛ خیزش عظیم مردم در دو سال پیش را «انقلاب ۸۸» نامیده است؛ و هنوز دارد از انقلاب شکسته نخورده ۸۸ سخن می گوید؛ لذا دفاع این حزب در چند سال اخیر از تحریم اقتصادی تروریسم دولتی، بسرکردگی آمریکا، طبق خاطره اصغر کریمی، نه تنها مجاز بلکه انقلابی و کمونیستی است. این اوج اپورتونیزم و استیصال رهبری این حزب در دفاع از سیاست ها و مواضع راست شان و تاکتیک های ائتلاف با جنبش ناسیونالیسم پرو غرب و ملی - اسلامی در دو سال اخیر است. تحت فشار نقد کمونیسم کارگری به راست روی های شرم آور این حزب، تئوری های من درآوردی پوپولیستی شان دیگر دردی را دوا نمی کند. باید به منصور حکمت رجوع کرد. به بیش از ده جلد قطور مباحث مدون او که نمی توان ارجاع داد، پس باید خواب نما شد و به خاطره گویی توسل جست. این علت اصلی داستان سرایی اصغر کریمی است.

ارجاع به خاطرات، زیر پا گذاشتن اسناد و مصوبات این اولین بار نیست که این حزب

چنین روشهایی را بکار می بندد. تعویض استراتژی حزب از انقلاب کارگری به «انقلاب انسانی» و حکومت کارگری به «حکومت انسانی» توسط لیدر حزب طی یک برنامه رادیویی و سپس تحت فشار نقد ما، تصویب قطعنامه ای در این رابطه در کنگره ۶ یک نمونه بسیار روشن از بی اعتنائی مطلق این رهبری به اصول پایه ای کمونیسم کارگری است. باید پرسید آیا اصغر کریمی جلسه دیگری را سراغ ندارد که منصور حکمت در تأیید سخنان اصغر کریمی از مطلوبیت انقلاب و حکومت انسانی سخن گفته باشد؟!

نمونه دیگر، دفاع این حزب از بیانیه حقوق بشر است. این بیانیه به روشنی توسط کمونیسم کارگری نقد شده است. دفاع صریح این بیانیه از مالکیت خصوصی بعنوان یک حق پایه ای، برای کمونیسم کارگری ماهیت جنگ سردی، ضد کمونیستی و بورژوایی آنرا برملا می کند. تفکیک خط کمونیسم کارگری از دفاعیات بورژوایی «حقوق بشر» برای کمونیسم کارگری بسیار مهم است. منصور حکمت در چندین مورد و در جلسات متفاوت از کادرها خواسته بود که دقیقاً بمنظور جلوگیری از چنین سوءتفاهمی، از لفظ حقوق بشر استفاده نکنند و لفظ حقوق انسانی را بکار ببندند. آیا این تاکیدات از حافظه اصغر کریمی پاک شده است؟

دفاع قاطع کمونیسم کارگری و منصور حکمت از تشکیل دو کشور مستقل و متساوی الحقوق فلسطین و اسرائیل و

تاکید بر حل مساله فلسطین در این چهارچوب یکی از اصول مهم سیاسی حزب تا زمان لیدر شیپ حمید تقوایی بود. این اصل مهم و مدون حزب و تمام استدلالات و دفاعیات منصور حکمت از این موضع چه در اسناد و چه در جلسات تشکیلاتی و سیاسی نیز از حافظه نه تنها اصغر کریمی، بلکه کل رهبری این حزب پاک شده است. اصغر کریمی کوشیده است با ارجاع به حافظه، منصور حکمت را نیز در راست روی حزیش شریک کند. باید بگوییم که ممکن است این حزب در اتخاذ هر موضع راست، ضد کمونیستی و ضد انسانی مخیر باشد؛ اما بهیچوجه اجازه ندارد اعتبار منصور حکمت را وجه المصلحه این سیاستها قرار دهد. ما اجازه نخواهیم داد.

### ارجاع به منصور حکمت چرا ضروری شده است؟

اما چرا پس از نزدیک به ده سال بی اعتنائی سیاسی و تئوریک به منصور حکمت؛ پس از آنکه در مقابل مباحث ما در ۶ سال پیش که اعلام می کردیم، رهبری حزب دارد از منصور حکمت عبور می کند، ما را اسیر در گذشته می نامیدند و لزوم تحلیل مشخص از شرایط مشخص روز را طرح می کردند؛ پس از آنکه برنامه و اصول سازمانی حزب و کلیه قطعنامه ها و مصوبات حزب را در صندوقخانه ای بایگانی کردند و حتی برای گردگیری نیز در آنرا باز نکردند؛ بناگهان در پاسخ به نقد ما یاد منصور حکمت افتاده اند و می

کوشند با ارجاع به او سیاست راستشان را توجیه کنند؟ چرا دیگر آن اعتماد به نفس را در خود نمی یابند که به اسم خود و با اتکاء به تئوری های کهنه پوپولیستی شان از این سیاست دفاع کنند؟ آنها را چه می شود؟

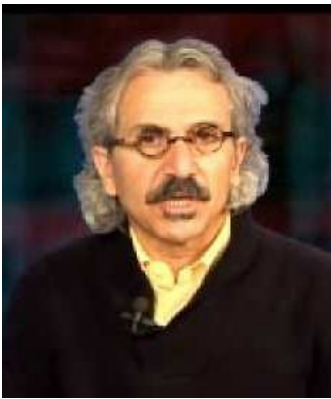
مدتی است که نقد به راست روی حزب در درون حزب هم آغاز شده است. آن دسته از کادرهای حزب که هنوز به کمونیسم کارگری وفادارند و از این رهبری پاسخ قانع کننده ای در قبال سیاست ها و تاکتیک های راست، بویژه در دو سال اخیر، دریافت نکرده اند، از حزب فاصله گرفته اند، استعفاء کرده اند و بعضاً علناً این سیاست ها را نقد کرده اند. رهبری حزب موقعیت خود را بویژه در شرایط حاضر ضربه پذیر می بیند. لذا تنها راه خلاصی را در ارجاع به منصور حکمت دیده است. اما وضع آنقدر پس است که در دفاع از راست روی هایشان به یک نوشته و مصوبه او هم نمی توانند رجوع کنند. ظاهراً خاطرات تنها راه است.

راست روی این حزب دیگر مزمز شده است. پراگماتیسم اپورتونیستی به روش حاکم آنها بدل شده است. هیاهوهای پوچ و پوپولیستی شان موضوع مضحکه خاص و عام است. باید اسمی برای خود انتخاب کنند که با «سرود ای ایران»، پرچم سفید و بیانیه حقوق بشر خوانایی داشته باشد. خدا عاقبتشان را بخیر کند!

### آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>  
[www.m-hekmat.com/](http://www.m-hekmat.com/)



## پیرامون مهمترین مولفه های اوضاع سیاسی سال 2011

میزگرد هیات دائر حزب

علی جوادی، آذر ماجدی، محمود احمدی، نسرین رضانعلی

سال پیش ما یک برآمد گسترده این بحران را دیدیم که منجر به سقوط وال استریت و بازار بورس شد. صدها میلیارد دلار هزینه کردند تا سرمایه های مهم و تعیین کننده را حفظ کنند. ذوق زده اعلام کردند که خطر را از سر گذرانده اند. اما اکنون با موج دیگر این بحران مواجه اند. به چند مولفه در این چهارچوب باید اشاره کرد:

نتوانسته اند سیاستهای ریاضت کشی اقتصادی، زدن خدمات اجتماعی، افزایش نرخ استنمار، افزایش طول سال بازنشستگی و ... را به کارگر و توده کارکن تماما تحمیل کنند. مردم مقاومت کردند. یونان، اسپانیا، انگلستان، فرانسه، اسرائیل، گوشه هایی از این مقاومت اجتماعی را به نمایش گذاشتند.

این بحران اقتصادی کشمکش و مبارزه طبقات اصلی در جامعه را تشدید کرده است. همه جا صحبت از مبارزه علیه وضع موجود است. روحیات توده مردم عادی تغییر شگفت انگیزی کرده است. از یک طرف بورژوازی با تمام قوا میکوشد که بار بحران را بر سر مردم خراب کند، اما با مقاومت و اعتراض گسترده و جهانی روبرو شده است. جنبش ۹۹٪ گوشه ای از مبارزه طبقاتی جاری در جامعه است. گسترش مبارزه طبقات اصلی و متخاصم در جامعه یک نتیجه وضعیت حاضر است. این وضعیت اکنون علامت سؤال بزرگی بر سر برخی از

و بر شکاف طبقاتی افزوده میشود. این نظام وارونه است. در آمد اکثریت عظیم جامعه، قرار نیست مینای یک زندگی انسانی شاد و خلاق و آسوده باشد، برعکس معاش تامین کننده بقاء برای کار مداوم و خسته کننده است. از قرار باید زنده باشند تا کار کنند و ثروتهای جامعه را تولید کنند. این نظام اکنون دچار بحرانی همه جانبه اقتصادی است. این بحران ذاتی نظام سرمایه داری است. بحران بانکی نیست. بحران مسکن نیست. قبل از هر چیز ناشی از عملکرد دائمی نظام سرمایه داری است. ناشی از گرایش نزولی نرخ سود است که مادیت یافته است و نرخ سود و پروسه انباشت سرمایه دستخوش بحران شده است.

این بحران جهانی سرمایه است. هیچ گوشه جهان سرمایه داری از گرد این بحران در امان نیست. حتی جوامعی که وحشیانه ترین نوع بهره کشی از کارگر را سازمان داده اند، نیز دچار بحران و رکود هستند. بحران ادواری جهان سرمایه داری است. اما دامنه و عمق اش کاملا با سایر بحرانهای کلاسیک سرمایه داری متفاوت است. میپرسید تفاوت در کجاست؟ تفاوت را باید در خصوصیات ویژه و سیاسی - اقتصادی جهان در چند دهه اخیر جستجو کرد. بلوک شرق سقوط کرد. عرصه گسترده ای از تولید جهانی در کنترل سرمایه داری رقابتی قرار گرفت. سودهای کلان و عرصه های جدید سود آوری و انباشت سرمایه عملا بحرانهای دوره ای سرمایه را به تعویب انداخت. این بحرانها به تعویق افتاده اکنون دارند از نظام سرمایه جهانی انتقام میگیرند. سه

مشابهی دچار شد. از طرف دیگر سرنوشت قذافی در لیبی چندان متفاوت نبود.

ریشه این تحولات را باید در تناقض پایه ای عملکرد نظام سرمایه داری با خواست و نیاز توده های مردم کارگر و زحمتکش جستجو کرد. منشاء این اعتراضات را باید در عدم خواست توده های مردم و "نه" به وضعیت موجود دید. این نظام سرمایه داری است که به گل نشسته است. نظامی که مسبب فقر و فلاکت و محرومیت اکثریت عظیم توده های مردم است. حتی تامین غذایی انسانهای ساکن کره زمین برای بخشهای وسیعی از مردم اکنون تبدیل به یک معضل گسترده شده است. بیکاری به یک معضل عمومی و اپیدمیک تبدیل شده است. بی مسکنی و عدم برخورداری از آموزش رایگان و همگانی، عدم دسترسی به بیماری درمانی مناسب از جمله مسائلی هستند که این نظام که قادر است دهشتناکترین سلاحهای کشتار دسته جمعی را تولید کند، از قرار نتوانسته است مساله بقای فیزیکی انسان زنده را تامین کند.

این نظام سرمایه داری است. در این نظام آنانکه کار میکنند و ثروتهای جامعه را تولید میکنند، خود از مواهب تولید خود اساسا محرومند. هر چه بیشتر کار میکنند، عمرشان کوتاه تر و زندگی شان مشقت بار تر میشود. هر چه بیشتر کار میکنند، محروم تر میشوند

**یک دنیای بهتر:** سال ۲۰۱۱ سال پرتحول و به جهات بسیار خیره کننده ای بود. بحران جهانی سرمایه داری نه تنها فروکش نکرد بلکه عمق و دامنه گسترده تری بخود گرفت. اما این بحران تفاوتی ویژه ای با بحرانهای ادواری تاکنونی داشته است. تفاوتها کدامند؟ دلایل کدامند؟ پی آمدها چه میتوانند باشند؟ آینده این تلاطمات سیاسی را چگونه می بینید؟

**علی جوادی:** واقعا اینطور است. ۲۰۱۱ سالی به یاد ماندنی در تاریخ تحولات سیاسی جامعه بشری است. تحولات سیاسی تکان دهنده ای در این سال بوقوع پیوست. کل نظام سرمایه داری با تمام ادعاها و قدر قدرتی هایش زیر ضرب توده های معترض در مراکز اصلی در اروپای غربی و آمریکای شمالی قرار گرفت. آنها که ادعای پیروزی نهایی را کرده بودند، حکم به پایان تاریخ و پایان مبارزه طبقاتی داده بودند، با امواج اعتراضی کوبنده توده های کارگر و مردم زحمتکش مواجه شدند.

اما این گوشه ای از این تحولات بود. توده های بپاخوخته مردم در خاورمیانه و شمال آفریقا تاریخ این منطقه را دگرگون کردند. مردمی که "هیچ بودند"، در هیچ معادله سیاسی حاکمان جایی نداشتند، کاری تاریخساز کردند. بن علی، راس دیکتاتوری سرمایه در تونس با سرعتی باور نکردنی بزیر کشیده و ناچار به فرار شد. سرنوشت حسنی مبارک، یکی از ستونهای اصلی آمریکا در خاورمیانه، نیز به سرنوشت

## پیرامون مهمترین مولفه های اوضاع سیاسی سال 2011 ...



از مبارزات طولانی و کشتار وسیع، صالح را به تبعید فرستاد.

طی یک سال ۴ دیکتاتور جلاذ از کار برکنار شدند. دو تن به تبعید فرستاده شدند، سومی را بطور نیمه کار محاکمه کردند و چهارمی را به قتل رساندند. یکسال پیش هیچکس حتی در خواب چنین شرایطی را نمی دید. این رویدادها همچون زلزله منطقه را تکان داده است. خواب آرام را از چشمان دیکتاتورهای آدمکش دیگر منطقه ربوده است. هم اکنون سوریه دستخوش مبارزات وسیع مردم با رژیم اسد است. در کشورهای دیگر نیز اصلاحات ناچیزی انجام گرفته است تا شاید مردم را آرام کنند.

این تحولات علیرغم شتاب و گسترش آن، هنوز در نیمه راه است. مردم در هیچیک از این کشورها به خواست هایشان دست نیافته اند. اوضاع کماکان مانند سابق است. هنوز اعتراضات مردم شدیداً سرکوب می شود. هنوز از آزادی خبری نیست. فقر خانمان برانداز بیداد می کند. البته از این رو که توده ها به خیابان آمده اند و با قهرمانی و استقامت تحسین برانگیزی علیه حکومت های جنایتکار می جنگند، توازن قوا تا حدودی بفع مردم تغییر کرده است. اما هر یک سانتیمتر تغییر با هزینه گراف ده ها کشته و صدها مجروح بدست می آید. ارتجاع جان سخت مقاومت می کند. در این میان اسلامیت ها توانسته اند سهم بیشتری در قدرت بدست آورند. در کشور تونس که به سکولار بودن معروف بود، اسلامیت ها توانسته اند اکثریت را در انتخابات اخیر نصیب خود کنند. در مصر انتخاباتی در میان جنگ و درگیری مردم و ارتش سازمان یافته شد که در مجموع اسلامیت ها ۶۰ درصد آراء را بدست آوردند. در مراکش که پادشاه آن در هراس از شورش مردم یکی دو اصلاح ناچیز در دستگاه حکومتی ایجاد کرده است نیز اسلامیت ها در انتخابات

های آنها در کل منطقه مشابه است. مردم علیه سرکوب و خفقان، فقر و تبعیض و بی عدالتی و فساد حکومتی به میدان آمده اند. آنها در پایه ای ترین سطح خواهان آزادی، برابری و رفاه هستند.

تروریسم دولتی بسرکردگی آمریکا تلاش بسیاری انجام داده و می دهد تا مبارزات مردم را سقط کند؛ کوشیده است با توسل به مانپولاسیون سیاسی و ایجاد کمترین تغییرات در رژیم های حاکم، دستگاه دولتی را حتی المقدور دست نخورده نگاه دارد. در تونس کمتر از یکماه پس از آغاز جنبش آزادیخواهانه مردم، راس حکومت بن علی را به تبعید فرستاد. اما مبارزات مردم علیرغم از دست دادن مومنتوم اولیه تا مدتها برای ایجاد تغییر کامل در حکومت ادامه یافت. در مصر، شرایط پیچیده تر بود. تلاش های بسیاری برای حفظ مبارک انجام گرفت. اما بمحض آنکه اعتصابات کارگری آغاز شد، مبارک را از کار برکنار کردند و ارتش که کاملاً دست ساز و گوش به فرمان آمریکا است، حکومت را بدست گرفت. مبارزات مردم در مصر کماکان برای سرنگونی دولت نظامی ادامه دارد. در لیبی که امکان دخالت در شرایط را مانند تونس و لیبی نداشت، به شکل نظامی وارد صحنه شد. ناتو در کنار «شورای موقت لیبی»، که یک جریان ارتجاعی متشکل از رژیم سابقی ها، عشایر کپک زده و اسلامیت ها است، علیه قذافی جنگید. در یمن، پس

حلقه های مهم سرمایه جهانی در اروپا قرار داده است؟ آیا یونان سقوط خواهد کرد؟ آیا ایتالیا سقوط خواهد کرد؟ آیا حوزه ارزی یورو دوام خواهد داشت؟ به تک تک این مسائل باید پرداخت. آنچه اما واضح است، گسترش مبارزه طبقاتی در جامعه است. کارگر و سرمایه در دو اردوی متفاوت در تقابل و جدال بر سر آینده جامعه! کدام آینده، سوسیالیسم یا سرمایه داری؟ به ملزومات پیروزی در این مبارزه باید پرداخت.

**یک دنیای بهتر:** تحولات اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا یکی از مهمترین تحولات در تاریخ این منطقه بوده است. توده های مردم زحمتکش عرب بپاخواستند، مبارزه کردند و موفق شدند رژیمهای سی چهل ساله استبداد سرمایه در تونس و مصر و لیبی را سرنگون کنند. این مبارزات کماکان ادامه دارد. چه ارزیابی ای از این مبارزات دارید؟ ادامه و پیشروی این مبارزات در گرو چیست؟ موقعیت اسلامیتها را چگونه می بینید؟ چه ارزیابی ای از آینده این تحولات دارید؟ این تحولات چه درسهایی برای تحولات در ایران دارند؟

**آذر ماجدی:** آنچه در سال گذشته در خاورمیانه و شمال آفریقا رخ داده در تاریخ بی سابقه است. این اولین بار است که در چندین کشور، یکی پس از دیگری، توده ها این چنین بپا خاسته اند و علیه نظم حاکم و برای تغییر رادیکال شرایط مبارزه می کنند. تحولات سال اخیر در منطقه دنیا را حیرت زده کرد. هر چند که ممکن است ارزیابی های متفاوتی از خواست واقعی مردم موجود باشد، اما همگان بر این نظرند که خواست

اکثریت را بدست آورده اند.

این نتیجه البته قابل پیش بینی بود. اولاً اسلامیت ها تنها اپوزیسیون مجاز در این کشورها هستند. ثانیاً در تلاش برای ممانعت از قدرتگیری چپ و کمونیسم و افتادن قدرت بدست مردم، تروریسم دولتی و حکومت های حاکم به سازش با اسلامیت ها دست زده اند. دارند به یک معنا سناریویی که در ایران در سال ۱۳۵۷ پیاده شد را بنوعی دیگر در این کشورها اجرا می کنند. تبلیغات غرب در مورد تفاوت این اسلامیت ها با نوع اسلامیت های حاکم در ایران و معتدل خواندن دسته اول خود نشان از توطئه آنها برای سرکوب کردن مبارزات حق طلبانه مردم دارد. باید یادآور شد که در تونس و مصر مبارزاتی علیه اسلامیت ها شکل گرفته است. بویژه مدافعین حقوق زن از این شرایط بسیار نگران هستند و در تلاش سازمان دادن مبارزاتی در دفاع از حقوق زن هستند.

مردم به خواست های خود دست نیافته اند. جنبش اعتراضی اگر نه با وسعت اولیه، هنوز برای دستیابی به خواست ها ادامه دارد. مساله اینجاست که پیروزی مردم تنها در صورت سرنگونی کل نظام و واژگونی سرمایه داری کامل می شود. این کاری دشوار و پر نشیب و فراز است. تشکل مردم کلیدی ترین مساله در این راه است. سازمانیابی مردم در تشکلات توده ای در همه سطوح یک نکته بسیار حیاتی است.



کاپیتالیستی به کشورهای مختلف اروپایی گسترش یافت و از حصار کشوری عبور کرده بود. اما دامنه این مبارزات صرفاً به اروپا محدود نمانده و خیزش انقلابی مردم در شمال آفریقا و خاورمیانه و سرنگونی دیکتاتورها، جنبش ضد کاپیتالیستی را وارد فاز نوینی کرد. سنت و الگوی جنبش "التحریر" به اروپا و آمریکا سرایت کرد و اینبار این مبارزات و خیزش توده ای میلیونی و انقلابی مردم ابعادی جهانی و منحصر بفرد یافت.

با ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۱ جنبش اشغال وال استریت در نیویورک دور جدیدی از مبارز ضد کاپیتالیستی را در دنیا را شروع کرد. شعارهای جنبش این بود: بانکها را مجبور کنید تا بپردازند! ما نماینده ۹۹ درصد از مردم هستیم و از حقوق ۹۹ درصد از مردم در مقابل ۱ درصد میلیادرها دفاع میکنیم! انقلاب از خانه شروع میشود! از دنیا یاد بگیریم! نه به جنگ! ۱۵ اکتبر نقطه اوج این جنبش بود که در عرض یکماه این جنبش در بیش از ۱۰۰۰ شهر دنیا بیش از صدها هزار نفر را در اعتراضات ضد کاپیتالیستی و با شعارهای سلبی به خیابانها کشاند. این جنبش اکثریت محروم جامعه بر علیه اقلیت استثمارگر سرمایه دار است. ویژگی این جنبش خصلت سلبی و ضد سرمایه داری آنست. این جنبشی است که سیستم سرمایه داری را از نظر اقتصادی و

زدن تمامی دستاوردهای رفاهی بشریت، به قهقرا کشاندن جامعه و استقرار بربریت است! و در سوی دیگر این جدال جنگ محرومان و زحمتکشان در اعتراض به حاکمیت سیاسی و اقتصادی سرمایه داری میباشد. این شرایط نابسامان موجد یک جنبش وسیع جهانی علیه سرمایه داری شده است که از اروپا آغاز شد و به خاورمیانه و شمال آفریقا کشید که فعلاً بساط دیکتاتوری بن علی، حسنی مبارک، قذافی و عبدالله صالح را جارو کرده و در ادامه به آمریکا و وال استریت کشید. جنبش "۹۹ درصد" به یک واقعیت تعیین کننده و مهم در تحولات سیاسی سال ۲۰۱۱ و تحولات سیاسی معاصر تبدیل شده است. شعار ۹۹ درصد بر علیه ۱ درصد جهانی ترین و محبوب ترین شعار مردم به تنگ آمده از مشقات نظام سرمایه داری در سال ۲۰۱۱ بود.

جنبش اعتراضی کارگران و مردم بر علیه ریاضت اقتصادی از اروپا شروع شد و فرانسه یک نمونه مهم و تاریخی بود. در فرانسه بیش از ۱ میلیون نفر برای حفظ دستاوردهای رفاهی و جلوگیری از افزایش حداقل سن باز نشستگی به خیابانها ریختند. برای اولین بار و بعد از مدتها طبقه کارگر بعنوان رهبر جامعه به میدان آمد و در راس این جنبش اعتراضی قرار گرفت. اما رفرمیسم، سوسیال دموکراسی، و تریدیونیونیزم بعنوان مانع و باز دارنده بزرگ این مبارزات اجازه نداد تا این جنبش بتواند به خواستههای اساسی خود دست یابد و موقتاً مجبور به عقب نشینی شد. شورش وسیع جوانان، گرسنگان و حاشیه نشینان در انگلستان، امپراطوری سرمایه داری پیر را به لرزه در آورد و با سرکوب و وحشیانه دولت کامرون روبرو شد. مبارزات گسترده و وسیع مردم در یونان، اسپانیا، ایتالیا، و پرتغال بر علیه ریاضت کشی اقتصادی، جلوه‌های دیگری از مبارزات مردم در اروپا بر علیه فقر، بیکاری و سرمایه بودند. جنبش اعتراضی ضد

## پیرامون مهمترین مولفه های اوضاع سیاسی سال 2011 ...

یک انقلاب کارگری مبارزه می کنیم. اگر در ایران کمونیسم کارگری موفق شود، تاثیرات بلافاصله آن بر منطقه نیز غیرقابل انکار است.

**یک دنیای بهتر:** اعتراضات توده های مردم در قلب اروپا و حتی اسرائیل در مقابله با تحمیل بار بحران اقتصادی بر شانه های توده های کارگر و مردم زحمتکش یک واقعیت تکان دهنده سال گذشته بود. میگویند که سرمایه داری رقابتی پیروز شده است. اما با جنبش اعتراضی ۹۹٪ علیه اقلیت استثمارگر ۱٪ مواجه شدیم. ویژگی های این جنبش چیست؟ مبانی سیاسی و اجتماعی آن کدام است؟ چه ارزیابی ای از این جنبش دارید؟ راه پیشروی این جنبش کدام است؟

**محمود احمدی:** با بروز جدید بحران عمیق سرمایه داری که از ۴ سال گذشته شروع شد، سهم اکثریت و میلیونها مردم گرسنگی، فقر، بیکاری و بی خانمانی گسترده بوده است. بحران اقتصادی کنونی جهان سرمایه داری که میتوان آنرا با بحران اقتصادی دوران جنگ جهانی اول و دوم مقایسه کرد توخس و وحشیانه سرمایه را به زندگی و رفاه مردم گسترش داد. سیاست دول مختلف سرمایه داری، اعمال سیاست ریاضت اقتصادی و حمله به سطح زندگی و معیشت مردم زحمتکش در سراسر دنیا است. مشخصه دوره کنونی، جنگ طبقاتی کار و سرمایه نه در محدوده ملی و کشوری بلکه در سراسر دنیا است. یک سوی این جدال جنگ سرمایه برای

بعلاوه، جنبش کمونیسم کارگری در این کشورها قوی نیست و تحزب کمونیستی کارگری وجود ندارد. این یک نکته کلیدی دیگر است. جنبش کمونیسم کارگری باید قدرت گیرد و متحزب شود. پای فشاری بر خواست آزادی، برابری و رفاه، تشکل واتحاد مردم ضروری است و همچنین یک رهبری کمونیستی کارگری باید در دل این مبارزات شکل گیرد.

شرایط جامعه ایران بسیار متفاوت است. جامعه ایران یک انقلاب شکست خورده را پشت سر گذاشته است. در جدال انقلاب و ضد انقلاب در سی سال گذشته، جامعه بسیار قطب بندی شده است و جنبش های اجتماعی متفاوتی علیه رژیم اسلامی و برای یک جامعه آزادتر و برابر تر شکل گرفته اند. وجود یک جنبش کمونیستی قوی، و وجود کمونیسم کارگری تحزب یافته در جامعه ایران، شرایط را بسیار متفاوت می سازد. لذا راه حلی که در تونس و مصر آزمایش شد در ایران جایی نمی تواند داشته باشد. اما بنظر می رسد که تروریسم دولتی دارد سلاح های خود را برای حمله نظامی به ایران آماده می کند. بیک معنا گزینه لیبی را برای ایران در نظر گرفته است. باید در مقابل این سیاست ارتجاعی ایستادگی کرد. باید کوشید که بشریت آزادیخواه و متمدن را علیه حمله احتمالی نظامی به ایران بسیج کرد. در ایران امکان سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و سازماندهی انقلاب کارگری وجود دارد. کاری دشوار است اما عملی است. ما می کوشیم که جامعه را به این سمت سوق دهیم. ما برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و





طبقه کارگر ندارد.

دور جدید تحریمها و تهدیدات جنگی چه پیامدی برای مردم دارد؟ روز دوشنبه رسماً در مجلس اعلام شده است قیمت داروها 40 درصد افزایش خواهد یافت. همچنین اعلام شده که دولت قادر به پرداخت شندرغاز آنچه "هدفمندی یارانه ها" اسم گرفته است را ندارد. تمامی معاملات اقتصادی بخاطر تحریم بانک مرکزی مختل شده است. مواد مایحتاج زندگی مردم بار دیگر احتکار شده و در انبارها مانده است تا با قیمت نه دو برابر و سه برابر بلکه چندین برابر فروخته شود. دیگر اخراج کارگران عذر و بهانه نمیخواهد. آقایان مواد اولیه نداریم تشریف ببرید، حقوق نداریم تشریف ببرید، تحریم هستیم تشریف ببرید، خودکفا نیستیم تشریف ببرید، پول نداریم تشریف ببرید! کارفرماهای وحشی توجیه کم داشتند حالا تحریم هم اضافه شده است. در یک کلام ناامنی هر چه بیشتر در سطح جامعه معنای واقعی تحریم اقتصادی است.

اتفاقاً ما شاهد تجربه تحریم اقتصادی حکومت صدام حسین بودیم که مرگ هزاران کودک در روز بخاطر نبود دارو نتیجه آن بود. همین امروز بیمارانی که باید شیمی درمانی شوند، مشکلات کلیه ای دارند، بیماریهایی مثل قند خون، کلستر، فشار خون که تقریباً بیماریهای رایج در ایران است با مشکلات کمبود شدید داروئی روبرو هستند. سازمان بهداشت تقریباً نزدیک به 9 ماه پیش اعلام کرد که این مریضها با کمبود داروئی روبرو هستند.

که بشریت متمدن در مقابل این دو قطب جنگ طلب موضع سومی را انتخاب کرد و به هر دو قطب نه گفت. اما تروریستها هم بیکار ننشستند و با هر تغییر و تحولی در دنیا شاهد هستیم که چگونه به زور جنگ و اسلحه خود را به مردم تحمیل میکنند.

جمهوری اسلامی سالهاست تحت عناوین مختلف تحریم اقتصادی شده است. اما در یکی دو سال گذشته با اوج گیری مبارزات مردم در داخل ایران و وحشیگری حکومت هار اسلامی این تحریمها ابعاد تازه ای به خود گرفته است که تنها زندگی را بر مردم ایران صد چندان سخت تر و طاقت فرساتر کرده است. این تحریمها در ابعاد وسیعی منجر به بیکاری وسیع تر کارگران گشته است. قدرت خرید مردم بشدت پایین آمده است. دقت کنید همین تحریمهای اقتصادی در شرایطی گسترش پیدا میکند که دولت احمدی نژاد تیر خلاص زن از جانب کل جمهوری اسلامی سیاست حذف سوبسیدها را در دستور گذاشته است. یعنی فقر بیشتر و روزافزون به مردم بطور عام و بطور خاص به طبقه کارگر تحمیل میشود.

اگرچه حکومت اسلامی توسط دول غربی تحریم اقتصادی میشود، اما صندوق بین المللی پول در وصف دولت احمدی نژاد نامه مینویسد و کشورهای دیگر را ترغیب میکند که عین حکومت ایران حذف سوبسیدها را در دستور خود بگذارند. تحریمهای اقتصادی هیچ نتیجه ای بجز مختل کردن بیشتر زندگی اکثریت مردم و تحمیل فقر و مرگ و میر بیشتر را نداشته است. رسانه های آلمانی خیر میدهند که در سالی که گذشت دولت آلمان دو برابر سال 2010 سلاحهای جنگی بفروش رسانده است. بخش بزرگ این سلاحها به حکومتهایی امثال جمهوری اسلامی فروخته شده است. این تحریمها و این جنگها تنها تخاصمات دولتهای سرمایه داری با هم است و منافع آنها را دنبال میکند و هیچ ربطی به مردم زحمتکش و

## پیرامون مهمترین مولفه های اوضاع سیاسی سال 2011 ...

دیگری نیست. این پرچم را باید به پرچم این جنبش بدل کرد.

**یک دنیای بهتر:** تخاصم دو قطب تروریستی جهان معاصر در سال گذشته بطور محسوسی تشدید شد. تحریم اقتصادی دامنه بیشتری گرفت. تهدیدهای جنگی ابعاد گسترده تری یافت. مسأله دستیابی رژیم اسلامی به سلاح هسته ای همچنان در صدر خبرهاست. خطر جنگ بر فراز جامعه به پرواز در آمده است. چه ارزیابی ای از این دور جدید تخاصم دارید؟ مولفه های اساسی سیاست حزب در چنین شرایطی کدام است؟ نقاط تمایز این سیاست با سیاستهای ارتجاعی دفاع طلبانه و سیاستهایی که پیشروی خود را به جنگ گره میزنند کدام است؟

**نسرین رضاعلی:** کشمکش میان دو قطب تروریستی بیش از یکدهه است که هر روز جنایت تولید میکند. از یکطرف تروریسم دولتی تحت نام "جنگ علیه ترور" به مردمی که خواهان جنگ و تحریمهای اقتصادی نیستند در ابعاد وسیع مشقت و فقر و بدبختی تحمیل میکند و از طرف مقابل تروریسم اسلامی که با کشتار مردم بی دفاع و بیخبر بجز ناامنی و بیخانمانی و بیحقوقی مطلق چیزی به ارمان نیاورده است. این توحش در حالی ادامه دارد که مردم در دنیا از هر فرصتی استفاده کرده و اعلام کردند که جنگ این دو قطب هیچ ربطی به زندگی آنها ندارد. خود رویدادهای خاورمیانه و شمال آفریقا و امواج اعتراضات توده ای در اروپا و آمریکا نشان داد

سیاسی به نقد کشیده است. مردم با شعارهای خود به بانکها، وال استریت، سیستم اقتصادی سرمایه داری و از نظر سیاسی به دولت، کنگره و پارلمان و کاخ سفید و سیستم سیاسی حاکمیت سرمایه، یورش میبرند. سنت مجمع عمومی بعنوان ارگان تصمیم گیری اعتراضات توده ای در این اجتماعات تثبیت میشود. با بکار گیری فیسبوک، سوشیال مدیا، به جنگ مدیای سرمایه داری میروند و تجارب و دستاورد مبارزات خود را به یکدیگر در کشورهای مختلف دنیا انتقال میدهند. این یک جنبش جهانی است که چهارچوب کشوری و هویت سیاسی ناسیونالیستی ندارد و این یکی از مهمترین خصیصه های این جنبش است. جنبشی جهانی با خواستها و دستاوردهای جهانی و با نیروی همبستگی بین المللی و جهانی!

اما در این جنبش گرایشات چپ رفرمیستی و چپ غیر کارگری نقش موثری دارند و بعنوان یکی از بزرگترین موانع تلاش دارند تا این جنبش را از نقد رادیکال به نظام سرمایه خالی کرده و در چارچوب مناسبات موجود به بند بکشند. فقدان یک رهبری کمونیستی کارگری مهمترین نقطه ضعف این جنبش برای پیشروی است. "نه" کمونیستی به نظام موجود باید به "نه" این جنبش، و افق و تبیین کمونیسم کارگری باید به تبیین و افق این جنبش بدل شود. تنها راه نجات انسان از بربریت و جهمی که دنیای سرمایه برای میلیونها انسان در این کره خاکی رقم زده است، تنها راه خلاصی از فقر، گرسنگی، بیخانمانی، کشتار و جنگ، بزیر کشیدن نظام سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم است. و این امر کمونیسم مارکس است. راه

## پیرامون مهمترین مولفه های اوضاع سیاسی سال 2011 ...

## کارگران تونل مترو تهران 3 ماه دستمزد معوق!

بنا به خبر دریافتی، بیش از 350 نفر از کارگران تونل مترو تهران منطقه تجریش وابسته به شرکت بتن سازان مهر تا امروز چهارشنبه چهاردهم دیماه دستمزدهای 3 ماه گذشته مهر، آبان و آذر را دریافت نکرده اند. "انصاری فر" مدیر شرکت بتن سازان در جواب کارگران گفته است: شهرداری و دولت پولهای ما را نمی پردازند، من برای شما کارگران نه پولی دارم و نه چاره و راه حلی، همینکه هست اگر کسی هم ناراحته تا تکلیفش را روشن کنیم.

کار شاق و سنگین در اعماق زمین از صبح تا شب و گاه در بسیاری مواقع از شب تا صبح، در جایی که بعلت شرایط نا ایمن کار هر لحظه خطر مرگ و مدفون شدن در زیر خروارها خاک و آوار میرود، در جایی که بسیاری از کارگران بعلت عدم اکسیژن کافی، بعلت گرد و غبار شدید ناشی از کار و بعلت استنشاق انواع گازهای مسموم و خطرناک ماشین آلات صنعتی در فضای بسته و محدود به بیماریهای مزمن و لاعلاج تنفسی از قبیل تنگی نفس و آسم مبتلا شده اند. همچنین تحمیل فقر و گرسنگی و تحقیر و محرومیت روز افزون به زندگی کارگران و خانواده هایشان، نپرداختن چندین ماهه دستمزدهای حداقلی که در این جهنم اسلام و سرمایه بواسطه تورم و گرانی بیسابقه حتی کفاف یک هفته زندگی خانواده های کارگران را نمیدهد، در حالیکه سران فاسد و جنایتکار حکومت اسلامی و سرمایه داران بیکاره در ثروتهای میلیاردی و افسانه ای غوطه ورنند. این یک سند جنایت سرمایه داران و حکومت نوکر اسلامیشان علیه خانواده های کارگریست. حالا جناب انصاری فر میخواهد تکلیف ما کارگران از هستی ساقط شده را روشن نماید!! تکلیف روشن است: این حکومت و این نظام وحشی سرمایه داری باید به قدرت تشکل و اتحاد و اعتراضات و اعتصابات سراسری و مبارزه کوبنده ما کارگران با خواست آزادی و برابری و رفاه و حرمت انسان بساطش برچیده شود.

شرکت بتن سازان مهر هم اکنون مجری احداث بخشهایی از تونل مترو تهران منطقه تجریش با بیش از 350 نفر کارگر قراردادی با قراردادهای از سه ماه تا یکسال و دستمزدهای پرداخت نشده 300 هزار تومانی و ساعت کاری ظاهرا از 7 صبح تا 5 عصر! اما بطور شبانه روزی و ایام تعطیل میباشد.

### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

4 ژانویه 2012 - 14 دیماه 1390

نکاتی که من اشاره کردم تنها بخش خیلی کوچکی از مشکلات و مشکلاتی است که بر دوش مردم افتاده است. ابعاد تحریم اقتصادی خیلی فاجعه بارتر از اینهاست. اما بخشی از اپوزیسیون مرتجع بشکن میزنند که با این تحریمها رژیم جمهوری اسلامی سرنگون خواهد شد! اپوزیسیونی که برای سیاستهای تحریم و جنگ غش کردند و صابون به شکمشان میزنند که در فردای این تحریمها و جنگ صندلی ای نصیب شان خواهد شد، بیشتر به فکر همین صندلی هستند نه به فکر مردمی که از شدت فقر و بمب نابود خواهند شد. اپوزیسیونی که جنگ و تحریم اقتصادی را "نعمت" میدانند از سر بیعقلی اش نیست بلکه از سر منافع ارتجاعی و ضد مردمی اش است.

بخش عمده جنبش ملی اسلامی و جبهه پرو رژیمها هم بدون در نظر گرفتن موقعیت مردم به دفاع از نظام و "نجات میهن" رو آوردند. وظیفه اینها چیزی نیست جز اینکه در شیپور دفاع از حکومت جنایت و کشتار بدمند. در واقع بخش عمده این دو جنبش پروغرب و ملی اسلامی یکی به نفع تروریسم دولتی و دیگری به نفع تروریسم اسلامی درصاف این دو قطب قرار میگیرند.

اما موضع حزب ما بعنوان نماینده جنبش کمونیسم کارگری علیه این سیاستها و این صفیندی اردوی ارتجاعی است. ما نه تنها امروز و در این شرایط بلکه بارها علیه این سیاستها قطعنامه صادر کردیم و تلاش کردیم در افشای این دو قطب تروریستی صدایمان را هرچه بیشتر به مردم برسانیم. آلترناتیو ما سرنگونی انقلابی

ما در این شرایط تلاش میکنیم که مردم را حول پرچم سرنگونی انقلابی جمع کنیم و با سازماندهی یک انقلاب کارگری و برقراری سوسیالیسم یکبار برای همیشه به این وضعیت مشقت بار خاتمه دهیم.\*





برده مزدبگیر ساخته است. علیه بورس بازی، سفته بازی و بانکدارهای مفتخور، علیه هرگونه اعمال قدرت خارج از اراده توده ها است. علیه نابودی محیط زیست و زندگیمان، علیه کار کودک، علیه تبعیض جنسی، نژادی و مذهبی و علیه هرآنچیزی است که در خدمت این جامعه نباشد.

ما نفرین شدگان تاریخیم که همیشه با وعده بهشت دروغین به مسلخگاه کشانده شدیم. بهشت های آسمانی و زمینی تماشمان برای فریب ما بوده است. بهشت دموکراسی یکی از این بهشت ها است. دموکراسی تا وقتی در خدمت توده ها و در دست اراده جمعی جامعه نباشد جز ابزاری برای سرکوب ما نخواهد بود. زمان آن فرا رسیده تا پرولترها علیه این دموکراسی، که چیزی که جز روینای سیاسی دیکتاتوری اقتصادی همین طبقه نیست، برخیزند و اراده انقلابی خود را اعمال کنند!

اما دیکتاتوری پرولتاریا با تعریفی که بورژوازی از دیکتاتوری ارائه داده و در عالم واقعیت هم اعمال کرده تفاوت بنیادین دارد. معنی دیکتاتوری در مارکسیسم حاکمیت یک طبقه بوده است و به این معنا دمکراتیک ترین دمکراسیها یک دیکتاتوری بورژوائی است. دیکتاتوری پرولتاریا دولت دوران گذار برای نفی جامعه طبقاتی و برقراری یک جامعه کمونیستی بدون طبقه و بدون دولت

محافظت می کنند، بیکار ننشسته اند. آنها نیز همچون عقبه های خود که پیشگامان رنسانس را به صلیب می کشیدند و ژاکوبین ها را به گیوتین می سپردند تمام تلاششان را در به صلیب کشیدن افکار معترضین و کسانیکه که هنوز به صف مبارزه نپیوسته اند به کار می برند. با ترفندهای مختلف سعی می کنند تا این جنبش انسانی را در مسیر فرسایشی قرار دهند و با وعده بازگشت دوباره بهشت سرمایه دوزخیان را به خواب ابدی فرو بغلتانند.

برای رسیدن به نتیجه، اول باید دید که ریشه های مبارزه ما از کدام تاریخ منشا گرفته و به سنت مبارزات کدام مردم گره خورده است. این چیزی است که بورژوازی با تمام توانش به تحریف می کشد. تاریخ انسان و مبارزاتش برای رهایی!

سنت دموکراسی از جامعه روم باستان می آید. یکی از ابتدایی ترین صحنه های نبرد برای رهایی در تاریخ، جایی که دموکراسی برای اولین بار امپراطوری عظیم و با شکوه خود را بر گرده فقیر ترین و تحت ستم ترین برده های تاریخ برپا می دارد. اگر سنت دموکراسی از اینجا آمده، سنت مبارزه ما نیز از دل جامعه اسپارتاکوس، از میان برده هایی که بر این دموکراسی شوریدند سر برآورده است. آنها زائیده شرایط زندگی در چنین جامعه ای هستند. همان برده های شورشی که بر علیه دموکراسی قدرتمندان، اولین بار در تاریخ بشری پرچم قیام جمعی را برافراشتند و اگرچه تمامیشان در یک جنگ نابرابر به صلیب کشیده شدند اما سنت با شکوه آنها زنده ماند و امروز به ما رسیده است.

ما برده های دنیای مدرن سرمایه داری هستیم و سنت مبارزاتی ما به چنین تاریخی می رسد. جامعه اسپارتاکوس علیه چنین دموکراسی ای است. علیه کارتل ها و تراست های اقتصادی است که از ما مثنی

## جامعه اسپارتاکوس علیه دموکراسی!

پویا نودهی

جنبش عظیم انترناسیونالیستی اشغال وال استریت انجامید تمامی این پروپاگاندهای رسانه ای را پوچ اعلام کرد. معلوم شد که مساله به مراتب ریشه ای تر از اینها است و دیگر نمیتوان مانند دوران جنگ سرد صدای اعتراض مردم را با این ترفندها ساکت کرد. دیگر با شعبده بازی "انتخابات آزاد" کاری از پیش نمی رود. پارلمان هایی که نمایندگانشان با باند بازی و صرف پول های هنگفت از جیب کارتل های اقتصادی و صاحبان سرمایه بر روی این صحنه تهوع آور ظاهر می شوند تا مردم به میل خود و "آزادانه" انتخاب کنند کدام یک از این مترسک ها آنها را به مسلخگاه سرمایه میکشاند.

اما بزرگترین سوال که ممکن است در ذهن هر انسان کشورهای مووسم به "جهان سوم" که تحت تاثیر همین تبلیغات مشکل جامعه خود را در فقدان دموکراسی میابد، این باشد که پس راه حل رهایی چه چیز دیگری می تواند باشد؟ برای کسانی که سالها است دموکراسی را بر تخت مقدس آزادی نشانده اند و همچون معبودی عالیقدر و نجات دهنده پرستیده اند، باید موقعیت عجیب و گیج کننده ای باشد.

اما مبلغین سرمایه، تکنوکرات ها، متخصصین، روشنفکران و اقتصاددان های بورژوا، این کشیشان عصر مدرن که با تمام وجود از صلیب تجر، فقر، جنگ و نسل کشی همچون طلسمی شوم که بر سر در جوامع بشری کوبیده شده

شورش های مردم زنجیر وار در اقصی نقاط دنیا اتفاق می افتد. هر آنچه از تاریخ بحران می گذرد تخاصم ها علنی تر و عزم مردم برای تغییر جزم تر می شود. بسیاری از این شورش ها در خاورمیانه به بر افتادن سران نظام های دیکتاتوری انجامید و در حالیکه دولت های غربی تلاش می کردند ادامه این فرآیند را به دیکتاتور کشی، برسر کار آوردن تکنوکرات های غربگرا (مدل تونس) یا ارتجاع اسلامی (مدل لیبی و مصر) ختم به خیر کنند، اما موج شورش ها به ادامه روند تکاملی انقلاب ختم شد و هم اکنون شاهد رویارویی مردم مصر با ارتش این کشور هستیم.

روند تاریخی شورش هایی که از دل جامعه ای معترض بلند میشود به سطحی از آگاهی جمعی جامعه و اتحاد و سازماندهی منجر میشود. جهان بار دیگر در حال گذار به یک دوره انقلابی است و در صورت عروج یک نیروی انقلابی و قدرتمند کمونیستی میتواند واپسین نفسهای قدرت طبقات حاکم را ببرد و جامعه انسانی را بر روی ویرانه های این نظم کهن بنا کند. در بطن این اعتراضات است که طبقه کارگر فرصت آگاه شدن و متشکل شدن پیدا خواهد کرد و رهبران خود را از دل جنبش بیرون خواهد آورد تا سایر طبقات زحمتکش را پشت خود برای مبارزه و حزب طبقه کارگر بسیج کند.

در ابتدای امر تمام تلاش دولت های غربی و مبلغانش بر این بود که وجود چنین شورش هایی را به فقدان دموکراسی در جوامع عربی نشان دهند اما کشیده شدن این اعتراضات به دل بزرگترین امپراطوری دموکراسی که به

## جامعه اسپارتاکوس علیه دموکراسی ...

است.

در زمان روم باستان هنگامی که سنا دچار اختلاف می شد و جامعه را در معرض خطر و نابودی قرار میداد فردی منتخب شده وظیفه اعمال دیکتاتوری و اداره حکومت تا انتخابات بعدی سنا یا رفع بحران را بعهده می گرفتند. البته این فرد توسط برده داران و شهروندان مرفه رومی انتخاب می شدند و دیکتاتوری را به نفع جامعه برده داری اعمال می کردند یعنی در حفظ طبقه حاکم. اما امروز امحای دموکراسی- دیکتاتوری برده داران بورژوا به دوش پرولتاریا این ارتش کار جهانی افتاده تا به نفع زحمتکشان و بردگان انقلاب و برای برپایی یک جامعه آزاد و برابر اقدام کند.

برپایی انقلاب کمونیستی با هدف استقرار یک جامعه کمونیستی، این تنها پرچمی است که کمونیست ها و آزادیخواهان دور آن گرد آمده و در تلاش برای جمع کردن پرولتاریا حول آن هستند. هرگونه هدفی غیر از این راهی جز خرابه های دنیای سرمایه نخواهد داشت. \*

### اعتصاب یکروزه

#### کارگران پالایشگاه های گاز پارس جنوبی

بنا به خبر دریافتی، روز سه شنبه 6 دیماه کارگران و کارمندان رسمی فازهای 1 تا 10 پالایشگاه های گاز پارس جنوبی دست به اعتصاب زدند.

این اعتصاب که بمدت یکروز طول کشید در اعتراض به وضعیت نامناسب غذا، پائین آمدن کیفیت و نحوه سرویس غذا صورت گرفت. کارگران و کارمندان از گرفتن غذا امتناع کردند که متعاقب آن کارفرما ناچار شد بسرعت به اعتراض پاسخ دهد و به وضعیت غذا و رستوران رسیدگی کند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

3 ژانویه 2012 - 13 دیماه 1390

## اخراج گسترده کارگران شرکت مشاورین فجر و توسعه!

در اطلاعیه قبلی اعلام داشتیم بیش از 230 نفر از کارگران شرکت مشاورین ساختمانی فجر و توسعه دستمزدهای 5 ماهه مرداد، شهریور، مهر، آبان و آذر را دریافت نکرده و علیرغم پیگیری و خواست کارگران برای دریافت دستمزدهای پرداخت نشده "هنرور" مدیر شرکت با رندی و ریاکاری از جوابگویی به کارگران و پرداخت دستمزدهای معوق طفره میبرد.

متأسفانه در طی چند روز اخیر علاوه بر عدم پرداخت دستمزدهای معوق کارگران بنا به دستور هنرور و بطور ناگهانی 200 نفر از کارگران شرکت که حداقل از 2 تا 5 سال سابقه کار داشته و در حالیکه هنوز قراردادهای کاری یکساله شان نیز به اتمام نرسیده است از کار اخراج و بیکار شده اند. کارگران اخراجی هنوز دستمزدهای 5 ماه گذشته را دریافت ننموده اند که مزید بر آن مشکل اخراج و بیکاری بیش از پیش معیشت و زندگی خانواده هایشان را هرچه بیشتر در ابهام و فقر بیشتر فرو برده است. هنرور در جواب کارگران اخراجی معترض گفته است: من بی تقصیرم، به دلیل فشارهای مالی و تحریم اقتصادی دولت طرح احداث و راه اندازی جایگاههای تامین گاز و سوخت سی ان جی را تعطیل نموده، ما دیگر قادر به کار نیستیم و نیازی به شماها نداریم.

تا امروز چهاردهم دیماه اعتراض و شکایات و مراجعات کارگران اخراجی به ارگانهای پادو حکومت اوباش اسلامی عملاً بی نتیجه بوده و حتی کارگران اخراجی به دلیل امتناع و کارشکنی عوامل کارفرما موفق به تسویه حساب و دریافت دستمزدهای معوق نیز نشده اند. نپرداختن دستمزدهای بسیار ناچیز، بی پولی و فقر شدید بعلاوه اخراج و بیکاری که جنایت همیشگی حکومت اسلامی و سرمایه داران علیه کارگران است، زندگی بسیاری از کارگران را به ورطه انهدام و تلاشی کشانده است.

شرکت مشاورین ساختمانی فجر توسعه از زیر مجموعه های جهاد دانشگاهی حکومت اسلامی در دانشگاه علم و صنعت است. این شرکت با بیش از 230 نفر کارگر قراردادی با قراردادهای یکساله که هم اکنون 200 نفر از کارگران از کار اخراج شده و دستمزدهای 300 هزار تومانی پرداخت نشده و ساعت کاری از صبح تا شب و اضافه کاری اجباری، سازنده انواع جایگاههای سوخت بنزین و سی ان جی در سرتاسر ایران میباشد. سود و درآمدهای میلیاردی شرکت مستقیماً به جیب عوامل و باند های وابسته به حکومت اسلامی در جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت واریز میشود.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

4 ژانویه 2012 - 14 دیماه 1390

## نه به اعدام!

"آیا لازم نیست در مورد وسایل تغییر آن نظامی که تمامی این جنایات را تولید میکند، عمیقاً اندیشید؛ تا اینکه آهنگ ستایش در باره جلد سردهیم؛ همان جلدی که با اعدام یکدسته از جنایتکاران؛ جا را برای افراد بعدی باز میکند؟"

کارل مارکس

## کتاب کنترل کارگری را

از سایت حزب دریافت

و توزیع کنید!

## متهم، شاکی، دادگاه

در حاشیه اقدام رضا پهلوی

سیاوش دانشور



سلطنتی را سرنگون کرده و دست اندر کار سرنگونی سلطنت اسلامی است، رضا پهلوی همانقدر میتواند بعنوان سخنگوی قربانیان رژیم اسلامی ظاهر شود که خامنه ای بعنوان سخنگوی قربانیان رژیم سلطنتی. بنیاد حکومت سلطنتی و اسلامی بعنوان حکومت‌های سرمایه داری بر نفی حقوق پایه ای اکثریت عظیم شهروندان جامعه ایران متکی است.

سوم، کسی نمیتواند بپذیرد که رضا پهلوی تازه متوجه شده که خامنه ای در راس ماشین جنایت اسلامی قرار دارد. اینکه رضا پهلوی در شرایط امروز به صرافت طرح شکایت افتاده است دقیقاً به اوضاع و احوال منطقه مربوط است. سخنان ایشان با بی بی سی به اندازه کافی گویا است. "رضا پهلوی در گفت و گو با بی بی سی فارسی با اشاره به قیام های مردمی در کشورهایمانند مصر، لیبی و سوریه و شرایط ایران گفت: در شرایطی که با نظام های سرکوبگر و بسیار خشن روبرو هستید، انتظار می رود جامعه بین المللی به کمک شهروندان این کشورها بشتابد".

کد و اسم رمز همان "جامعه بین المللی" یعنی ناتو و اعضای شورای امنیت است. اما جامعه بین المللی چگونه میتواند "به کمک شهروندان این کشورها بشتابد"؟ بجز با تحریم اقتصادی و دخالت میلیتاریستی؟ بجز با قیچی کردن مردم از سیاست و سازمان دادن نیروهای دست راستی بعنوان "شورای انقلاب" و "رهبری" دست ساز و سخنگویان دموکراسی پنتاگونی؟ رضا پهلوی و جنبش ناسیونالیسم پرو غربی و متحدین متفرقه ملی اسلامی و قوم پرست و جناحهای "چپ" شان، حتی اگر امروز صریحاً از تهاجم نظامی دفاع نکنند در وقت خودش آنها توجیه و به عنصر پیشبرنده آن تبدیل خواهند شد. در حال حاضر بخشی از این جریانات خود را برای ایفای این نقش سازمان داده اند.

چهارم، دادگاه چنین محاکمه ای دیوان بین المللی کیفری است. این دادگاه تنها میتواند به کیفرخواست‌هایی رسیدگی کند که مانند مورد لیبی شورای امنیت سازمان ملل پرونده را به این دادگاه ارجاع دهد. شکایت از شورای امنیت و خواست محاکمه توسط دیوان بین المللی کیفری دقیقاً بیانگر امید‌هایی است که در میان اپوزیسیون بورژوائی در ایران و سوریه امروز به انتلافها و تحرکات سیاسی گسترده ای شکل داده است.

از زاویه منافع آئی و آئی کارگران و اکثریت مردم ایران، متهم و شاکی و دادگاه منافی را نمایندگی میکنند که ربطی به منافع آنها ندارد. اکثریت عظیم مردم ایران از خامنه ای و نظام اسلامی منزجر و خواهان سرنگونی نظام منحوس اسلامی و برپائی جامعه ای آزاد و برابر و مرفه اند. اما این مردم برای تغییر خامنه ایها و سپردن حکومت بدست اسلاف آنها و یا تکرار سناریوی عراق و افغانستان و لیبی بمیدان نیامده اند. توهامات رضا پهلوی و اپوزیسیون بورژوائی و دست بدامن آمریکا و ناتو شدن را باید در متن شکست پروژه "انقلاب سبز" و "اصلاحات اسلامی" و بمیدان آمدن دور دیگری از قلدری میلیتاریستی و امپریالیستی دید و نه تأییدن نور معرفت در قلب شان در باره "نقض حقوق بشر" و یا "کرامات انسانی جامعه بین المللی"!

اول، رضا پهلوی در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرده که "...علی خامنه ای باید مسئول اعدام، بازداشت و شکنجه مخالفان سیاسی در ایران شناخته شود". تردیدی نیست که خامنه ای در صدر جانین حکومت اسلامی است. اما میهم گویی و عدم صراحت رضا پهلوی در محاکمه دست اندرکاران جنایت و همدستان خامنه ای، تنها میتواند ادامه سیاست اعلام شده "بخشش سران حکومت" توسط این جریان و باز کردن راه برای سازش با نیروهای درون حکومت و حفظ ارگانهای سرکوبش برای حکومت بعدی باشد. مشکل مرم ایران فقط خامنه ای نیست بلکه نظام خامنه ایها و جمهوری اسلامی است که باید تماماً سرنگون شود و تک تک سران و دست اندرکاران آن طی یک دادگاه عادلانه و علنی بجرم جنایت علیه بشریت و بطور مشخص اعدام بیش از صد هزار نفر محاکمه شوند.

دوم، متهم پرونده اش بیش از حد روشن است. رضا پهلوی هم مانند هر کس دیگری میتواند شاکی حکومت اسلامی باشد. اما شاکی از جانب چه کسی حرف میزند؟ رضا پهلوی حتی اگر شخصا در جنایات پدرش سهمی نداشته باشد تنها عنصری است که بعنوان "شاهزاده" و "ولیعهد سابق" در اتاق انتظار اعاده رژیم سلطنتی است. همین مسئله رضا پهلوی را به محمد رضا پهلوی وصل میکند. در جامعه ای که یکبار رژیم

اخیرا آقای رضا پهلوی از علی خامنه ای به شورای امنیت سازمان ملل شکایت و خواهان محاکمه او به اتهام ارتکاب جنایت علیه بشریت در دیوان بین المللی کیفری شده است.

اقدام رضا پهلوی در چهارچوب استراتژی جنبش ناسیونالیسم پرو غرب برای قدرت سیاسی منسجم است. این جنبشی برای اعاده حکومت سرنگون شده سلطنتی است و روشهای قدرت گیریش متکی به کودتا، بند و بست در بالا، و حمایت آمریکا و دول غربی است. مستقل از اینکه این و یا آن جناح و محفل این جنبش چه میگوید، سیاست عمومی اینها با سیاست مسلط آمریکا و دول غربی تنظیم میشود. اگر تهاجم نظامی به دستور روز تبدیل شود، ژنرالها و گرایشات تندرو تر و فاشیستی این جریان جلو صحنه می آیند. اگر مردم برخیزند و تحت فشار پائین حکومت شقه شود و سیاست غرب حمایت از جریانهای طرفدار سازش و شبه پرو غربی درون حکومت اسلامی باشد، اینها با هدف سوار شدن بر اعتراض مردم، "سبز" و "اصلاح طلب" و "حقوق بشری" میشوند. استراتژی جریان ناسیونالیسم پرو غرب در شرایط امروز تکرار سناریوی لیبی است. سناریویی که موجب تحرک وسیعی میان اپوزیسیون بورژوائی در ایران و منطقه شده و ایفای نقش بعنوان چلبی و عمر سلیمان و غنوشی و طنطاوی را در میان این جریانات به جلو صحنه رانده است.

چند سوال ماهیت سیاسی این اقدام را روشن تر بیان میکند:

# زنده باد شوراها

ارگانهای اعمال اراده توده ای را همه جا برپا کنید!

مصوب دفتر سیاسی حزب

۱- بار دیگر جامعه ایران در آستانه تحولات عظیم و تاریخساز قرار گرفته است. مردم آزادیخواه حکم به سرنگونی رژیم اسلامی داده اند و هم اکنون دست بکار بزیر کشیدن آن هستند. پیشروی مبارزات توده های بپاخواسته مردم و تحقق سرنگونی رژیم اسلامی بشکلی سازمانیافته و در سریعترین و کم مشقت ترین شکل در گرو ساختن ارگانهای مبارزاتی و اعمال اراده توده ای مردم، شوراها، در سراسر جامعه است.

۲- یک هدف شوراها گرفتن بخش هر چه وسیعتری از قدرت توسط توده کارگران و مردم است. این ارگانها ابزار متحد شدن، سازماندهی مبارزه انقلابی و آزادیخواهانه، اعمال قدرت کارگران و مردم زحمتکش و نفی قدرت سرمایه و جمهوری اسلامی است. شوراها همچنین از ارگانهای قیام علیه جمهوری اسلامی اند. باید همه جا، در محیط زیست و کار در سطح محلی و سراسری شوراها را سازمان داد.

۳- شورا کاراترین، مناسبترین و ساده ترین ظرف اتحاد و اعمال اراده توده ای است. شورا ضامن اعمال اراده مستقیم و مستمر توده های مردم است و باید جایگزین قدرت ارتجاع اسلامی شود.

۴- طبقه کارگر باید بسرعت شوراهای خود را ایجاد کند. شوراها امر اتحاد صفوف کارگران، تامین استقلال طبقاتی و اتخاذ سیاست کنترل کارگری را تسهیل میکند. شوراها امکان حضور طبقه کارگر بعنوان رهبر شایسته جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم را فراهم میآورد. کارگران سوسیالیست باید پیشرو ایجاد شوراها در محیط زیست و کار باشند.

۵- شوراهای محلات در شرایط امروز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تجربه عملی همین دوره نشان میدهد که محلات و تجمعات مبارزاتی در آن، پایه سازماندهی حرکات اعتراضی وسیع و بویژه تظاهرات شبانه است. باید کنترل محلات را از دست جمهوری اسلامی و نیروی سرکوبگر آن خارج کرد.

۶- حزب اتحاد کمونیسم کارگری، کارگران و مردم زحمتکش را به برپایی شوراها فرامیخواند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۳ ژوئن ۲۰۰۹

## متهم، شاکی، دادگاه

در حاشیه اقدام رضا پهلوی ...

یک رکن سیاست جنبش کمونیسم کارگری بعنوان جنبشی رادیکال و برابری طلب و ضد اسلام و ضد دخالت میلیتاریستی، افشا و درهم شکستن نقطه سازشهایی است که طیفهای متفرقه بورژوازی ایران اعم از حکومتی و اپوزیسیونی در سر راه مبارزه برای آزادی و رهائی قرار میدهند. ما در مقابل سیاست بقای حکومت اسلامی و دخالت میلیتاریستی، سیاست سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری و برپایی یک جامعه آزاد و مرفه سوسیالیستی را قرار میدهم.\*

## "آزادی"

یعنی رهایی کامل از قدرت و حاکمیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سرمایه و سرمایه داری، یعنی رهایی از کلیه روابط، مناسبات و نهادهای اسارت آور و سرکوبگر جامعه بورژوازی، یعنی رهایی از چنگال بردگی مزدی، رهایی از انقیاد طبقاتی، رهایی از سرکوب ماشین دولتی بورژوازی، رهایی از بی حقوقی سیاسی و انقیاد فرهنگی، رهایی از پیله مذهب و پندارها و قوانین و ارزش های خرافه آمیز و عقب مانده جامعه موجود، رهایی از ستم های مذهبی، قومی و جنسی، رهایی از فقر و فلاکت، جهل و خرافه و کل تبعیضات و مصائب جامعه بورژوازی.

## جهان بدون فراخوان

سوسیالیسم، بدون امید

سوسیالیسم، بدون "خطر"

سوسیالیسم، به چه منجلابی

تبدیل میشود!

منصور حکمت



## بیاد فادیمه شهیندال و دیگر قربانیان ناموس پرستی

Vita nejlkor organisation

ده سال پیش فادیمه شهیندال بعد از دوره ای طولانی از مبارزه برای یک زندگی آزاد و به دور از سنت پرستی و مردسالاری در هنگام ملاقات با مادر و خواهرش در شهر افسسالا در سوئد به دست پدرش به قتل رسید. قتل فادیمه شهیندال در کشوری اتفاق افتاد که چندین دهه ادعای برابری و دفاع از حقوق شهروندان را به شعار اصلی خود تبدیل نموده بود. قتل فادیمه شهیندال نه اولین قتل در نوع خود بود و نه آخرین، پیلا اطرشی چند سال قبل از فادیمه و بعد از

فادیمه، عباس رضایی در جنوب سوئد و ژیان در کاترینه هولم، تنها نمونه های بارزی از ادامه حیات عقب مانده ترین سنت ها در کشور سوئد در پناه سیاست نسبیت فرهنگی و رشد راسیسم است. به همین مناسبت سازمان آزادی زن و تشکل میخک سفید در دو روز متفاوت با برنامه های مختلف در گرامیداشت قربانیان ناموس پرستی و در دفاع از حق حیات انسانها، از همه شما انسانهای آزادیخواه و برابری طلب دعوت میکند که با شرکت در این آکسیونها و گردهمایی ها همبستگی خود را قربانیان ناموس پرستی نشان دهید و به سیاست های نسبیت گرایی دولت سوئد اعتراض نمایند.

### گردهمایی در گرامیداشت فادیمه شهیندال

#### سخنرانی و برگزاری میز اطلاعاتی

زمان: جمعه 20 ژانویه . ساعت 15 تا 17

در ساعت 17 قرار دادن گلهای میخک سفید را در یوتا کانال

مکان: برونزپارکن، مرکز شهر گوتنبرگ، سوئد

#### بحث آزاد:

ده سال پس از قتل فادیمه شاهیندال

نمایش فیلم

زمان: شنبه 21 ژانویه، ساعت 16 تا 18

مکان: سالن تجمع ویکتوریا هوست (هاگابیو)

برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفنهای زیر تماس بگیرید

پروین کابلی. 0707744020 شهلا نوری. 0737262622

برگزار کننده: سازمان آزادی زن و تشکل میخک سفید

ژانویه 2012

اطلاعیه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

## مضحکه انتخابات رژیم اسلامی را بر سرشان خراب کنیم!

انتخابات مجلس رژیم اسلامی در راه است و از هم اکنون باندهای رژیم برای تعیین سهم خود و محدود کردن و حذف رقبا به شدت فعال شده و به جان یکدیگر افتاده اند. باند خامنه ای و جناح راست "اصولگرای" رژیم بدنبال بیشترین سهم در این مضحکه انتخاباتی است. خواهان کسب هژمونی مطلق و بدنبال یکدست کردن مجلس اسلامی اند. در عین حال از رقبای خود میخواهند که "تنور" انتخاباتی شان را "گرم" کنند. باند احمدی نژاد مشغول جمع کردن نیرو برای جدالهای بزرگتر آتی است. مشغول لشکر کشی اند. جناح اصلاح طلب حکومتی در حال چرتکه انداختن است که بالاخره چه سیاستی اتخاذ کنند. مترصدند! آیا میتوانند کماکان سهمی از ارکان حکومت اسلامی را برای خود داشته باشند؟ در وضعیت کاملاً استیصال آمیزی قرار دارند. جناح راست خواهان ذلت و حقارت کاملشان است. تسلیم تمام و کمال و اظهار ندامت شرط حضورشان در این نمایش مضحک است. شرطی که در عین حال متضمن اضمحلال و زوال کاملشان است.

اما این تمام واقعیت نیست. تمامی شان میدانند که با وضعیت متفاوتی روبرو هستند. "کابوس انتخاباتی" کلام گویاتری برای بیان این وضعیتشان است. هراسشان از این است که میدانند به ته خط رسیده اند. میدانند که کسی ذره ای توهم به این مضحکه "انتخاباتی" ندارد. حتی خودی ترین خودی هایشان هم میدانند که دیگر سرنوشت سهمشان از قدرت نه در پس برگزاری و اجرای این مراسم ارتجاعی و مذهبی بلکه در جدال سرنوشت ساز با مردمی که عزم جزم کرده اند تا سرنگونشان کنند، تعیین خواهد شد. روزی نیست که کابوس سرنگونی رژیم اسلامی و محاکمه سران رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه مردم برایشان واقعی تر نشود. بی دلیل نیست که "راه حل های" رفسنجانی برایشان راهگشا نیست و بازتابی در صفوفشان ندارد. بی دلیل نیست که بخشی از صف اصلاح طلبان حکومتی به صرافت ترک این مراسم مضحک افتاده اند. از این رو برای حضور خود پیش شرط تعیین میکنند، تا شاید بهانه ای برای عدم حضور و جلوگیری از بی آبرویی بیشتر برای خود دست و پا کنند.

مسئله مردم در این مراسم مضحک شرکت نخواهند کرد. شرکت در رای گیری و بند و بست میان باندهای آدمکش و اسلامی که هرکدام بیش از سه دهه سهم مهمی در اعمال بیشترین سرکوب و استثمار و بی حقوقی و تبعیض در جامعه داشته اند، پوچ و بی معنا و عین حقارت است. "از نظر مردم، شرکت در این انتخابات پوچ و بی معناست، و باید تحریم شود. نه فقط این رای بیهوده است، بلکه حتی اگر شمرده میشد، انتخاب بین بد و بدتر هم نبود، انتخاب بین بدتر و بدتر بود. هیچکدام از این جناح ها صلاحیت حکومت در ایران را ندارند." مردم انتخاباتشان را کرده اند. مدتهاست که انتخاب مردم سرنگونی تمام و کمال رژیم اسلامی و کلیت این بساط استبداد و مذهب و استثمار است. مردم خواهان جامعه ای آزاد و برابر و مرفه اند، و اگر سنوالی کماکان باید پاسخ بگیرد این است که چگونه میتوان این پروسه را به ضد خود تبدیل کرد؟ آیا باید در خانه نشست و تماشاگر اجرای این مراسم حقارت آمیز بود یا فعالانه در مقابل آن ایستاد و اعتراض کرد؟ چگونه میتوان یک سیاست تعرضی و فعال را در این دوره در دستور قرار داد که کارگر و مردم زحمتکش، زن و جوان معترض و جان به لب رسیده را در موقعیت مناسبتری برای پایان بخشیدن به عمر سیاه این رژیم قرار دهد؟

حزب اتحاد کمونیسم کارگری مردم آزادیخواه و برابری طلب را به اتخاذ یک سیاست فعال اعتراضی در مقابله با این مضحکه فرامیخواند. این مراسم اسلامی را باید بر سرشان خراب کرد. هر تجمع و هر گردهم آیی شان را باید به مراسم افشاگری و اعتراض علیه کلیت رژیم اسلامی، علیه استبداد، علیه خفقان، علیه زن ستیزی، علیه فقر و فلاکت و بی حقوقی مردم، تبدیل کرد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری از تمامی مردم آزادیخواه میخواهد تا در فضای "انتخاباتی ای" که وجود دارد بیشترین اعتراض، تظاهرات، و اعتراض سیاسی را انجام دهند. این پروسه میتواند آغاز دور جدیدی از اعتراضات و خیزش مردم برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی باشد. باید با قدرت به میدان آمد. میتوان کارشان را تمام کرد!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۷ تیر ۱۳۹۰ - ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۱

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!